

افغان مینې مارکیت عرضه کننده
انواع مواد خوراکی و طبی

یگانه مغازه افغانی
در منطقه واشنگتن بزرگ
که تازه ترین مواد خوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند
6566 Backlick Rd Springfield, VA
22150
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

در امریکانز
\$1.50



بنام خدا

شماره ۱۰۸۸

هفته نامه مردم افغانستان

شماره هشت / سال سی و یکم / ۳۰ عقرب ۱۴۰۰ / ۲۱ نومبر ۲۰۲۱ / شماره مسلسل ۱۰۸۸

به لشکر جهل و جنون

هرگز به دعا گرسنه یی سیر نشد
اسلام خدا شلاق و شمشیر نشد
در هیچ زمان چنین و در هیچ مکان
قرآن به زبان زور تفسیر نشد

تاریخچه طبابت در افغانستان

جلد اول و دوم این کتاب تاریخچه شامل ایام زرتشت تا سال های معاصر را با خاطرات دوران محصلی درفاکولته طب توأم دارد، و کتاب تازه با عنوان «ابن سینا» اثر دکتر غلام محمد دستگیر تازه چاپ شده، علاقمندان و دوستان کتاب غرض خرید کتابها به نشانی های ذیل تماس حاصل نمایند.
اروپا به شماره ۰۶۴۴۴۴۴۰۶۰
امریکا به ایمیل ادرس
dastageer2008@hotmail.com
لندن ۰۷۸۱۴۳۲۶۴۷۴

داکتر محمد حیدر جنوب کالیفورنیا

مکتوب سرگشاده به متولیان قدرت در افغانستان

در جریان تاریخ بشر همیشه دیده شده که در مناطق مختلف جهان مساعدت محیط نسبتاً آزاد و عادل باعث شگوفانی فرهنگی جوامع شده است. مثلاً هزار و ششصد سال قبل در یونان باستان، بعداً در روم و از آن بعدتر در عصر زمامداران خردمند و خردپرور عباسیان در بغداد و امویان در اندلس، هسپانیة امروز، که بدبختانه این هردو جهش بنا بر عوامل خارجی و داخلی دوام کرده نتوانستند، که بعداً مختصراً تشریح خواهند شد، از آن زمان تا حال جهان اسلام در آشفته حالی کامل، ذلت و بحران های مهلک و بیهم بر سر می برد، که از جمله افغانستان نمونه بارز آنها شمرده شده میتواند. بی عدالتی های اجتماعی، فقدان آزادیهای طبیعی انسانی، تبعیضات نژادی و سوبه ضعیف فرهنگی در سراسر جهان اسلام بیداد میکند و استبداد سیاسی زندگی را در قلمرو کشورهای اسلامی طاقت فرسا ساخته است که نشانه های بارز و چشمگیر آن مهاجرت هاست به کشورهایایی که حقوق انسانها تا اندازه یی مراعات میگردد.

از این حالت بیچارگی و ذلت ممتد چنین یک تصور خلق شده که گویا امکان تحولات مثبت از حیطة توان مسلمانان خارج بوده و یا اینکه دین اسلام اساساً استعداد سازماندهی یک جامعه مرفه و عادل را ندارد، که چنین نیست. ارزش های والای انسانی هزار و چهارصد سال قبل در قرآن کریم ارشاد شده اند که با پیروی از آنها تمدن زیبایی در اطراف بحیرة مدیترانه و خراسان زمین احداث شده بود، در حالیکه جهان عیسوی به گفته خودشان، در تاریکی های قرون فرو رفته بود.

ذلت و حالت رقتبار فعلی جهان اسلام، قسمی که قبلاً اشاره شد، هم عوامل خارجی دارد و هم داخلی. عوامل بیرونی جنگها بود که از غرب و شرق علیه آن براه انداخته شده بود. تقریباً از آغاز موجودیت اسلام در شبه جزیره ایبریا Iberia، هسپانیه و پرتگال، عیسویان در پی راندن مسلمانان از آن دیار بودند که اندلس گفته میشد، بالاخره در قرن پانزده پس از هفت صدسال، هسپانیه دوباره عیسوی شد.

در شرق میانه صلیبیون قریب دو صدسال با مسلمانان در جنگ و گریز بودند، علیرغم پیروزی مسلمانان، در شرق اوسط ضعیف شده بودند. در اوایل قرن سیزده با هجوم چنگیز خراسان خرم با شهرها و مراکز فرهنگی اش همه به خاک یکسان شدند.

آنچه به عوامل داخلی سقوط تمدن اسلام تعلق دارد، باید گفت که جنگهای چندین صدساله عیسویان و مغولیان عوامل داخلی سقوط راهپا کرده بود. جنگهای پیاپی باعث ضعف اقتصاد شد و این ضعف زمینه ساز انحطاط فرهنگی گردیده بود و در چنین یک محیط نفوذ مذهب یون تاریک بین و متعصب در تباری با قدرتهای محلی پیشی گرفت. مذهب یون و مفسرین درباری بیشتر ملحوظات سیاسی را در نظر میداشتند و در جهت توجیه قدرتهای خود کلامه و غیر مشروع منهدم میشدند. در تعدادی از تفاسیر آنها دیده میشود که از آن آیات قرآن شریف که در گذشته های باعث رستخیز فکری مسلمانها میشد، کمتر و یا هیچ بحث ندارند و بیشتر به آن مباحثی پرداخته شده که مربوط احوال شخصی مسلمانان می گردید و می گردد.

از این سقوط و انحطاط باید از دو روشن ضمیر فرهنگ و عرفان اسلامی شنید، که به فاصله زمانی تقریباً دو صد و سی سال از همدیگر زندگی داشتند:

مگر از فکر عقبی بازگردم تا به خویش آمیم
که از خود سخت دور افتیده ام از پیش بینی ها (بیدل رح)
ز من بر صوفی و ملا سلامی، که پیغام خدا گفتند ما را
ولی تأویل شان در حیرت انداخت خدا و جبرئیل و مصطفی را
(اقبال رح)

متصدیان قدرت در افغانستان! درین عصری که زندگی می کنیم شرایط فرق کرده و جهت حل واقعات و معضله های زندگی امروز نمی توان گذشته هارا نمونه قرار دهیم.

مصداق

خدایهودونصارا را خوار و زبون کند!

تا هوشیار شده ام، سر هر دسترخوانی که نشسته ام، بعد از غذا همه دست بالا کرده اند و گفته اند خدایا یهود و نصارا را خوار و زبون کن. تا چند سال پیش نمی دانستم یهود و نصارا کیست، بعدها دانستم منظور از یهود و نصارا همه ی کسانی اند که مسلمان نیستند.

اما خاستگاه این دعای بد ریشه در مناسبات قومی اقوام سامی (عرب، یهود و نصرانی) دارد. این سه گروه بچه های کاکا هستند که با هم پیش از اسلام درگیری داشتند، این درگیری در دوره ی اسلام جنبه ی دینی و مذهبی پیدا کرد و سرانجام دعای دسترخوان ما شد.

جالب این است بعد از هر نماز و بعد از هر وعده ی غذا از خدا می خواهیم آن ها را خوار و زبون کند، اما همه آرزو داریم به کشورهای یهود و نصارا برویم، آن جا هم که رفیقیم دعای بد می کنیم خدایا این ها را خوار و زبون کن.

کفار که می گوید فعال حقوق بشر را بیرون می کنیم، همه فعال حقوق بشر می شویم. کفار که می گوید فعال حقوق زن را بیرون می کنیم، زن ستیزترین افراد ما فعال حقوق زن می شوند. کفار که می گوید منتقدان دین و مذهب را بیرون می کنیم، همه منتقد دین و مذهب می شویم. کفار که می گوید ژورنالیست را بیرون می کنیم همه ژورنالیست در خطر می شویم.

بیش تر از میلیون فعال حقوق بشر، فعال حقوق زن، منتقد دین، ژورنالیست و... تا هنوز به کفار نامه فرستاده اند. اما مهم ترین خبر این است که وزیر خارجه ی بریتانیا گفته هم جنس گرایان را بیرون می کنیم. می ترسم ملت هم جنس گرا شود!
خدا یهود و نصارا را خوار و زبون کند!!!

(نقل از فیسبوک)

باید به اساس نصوص قرآن طرز تفکر خود را عیار کنیم. باید مراجعه کرد به سوره رعد آیت ۱۱ «خداوند قومی را تغییر میدهد مگر آن قوم فکر و عمل شان را تغییر دهد.» (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقُومَ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ؛) و همچنین معقول بیندیشیم چنانچه در سوره انفال آیت مبارک ۲۴ که در آن طرز تفکر معقول امر شده است: بدترین جانوران نزد خدا کر و لال هایی هستند که عقل شان را بیکار نمیدارند. إِنْ شَرَّ لَدَوَابَّ عِنْدَ اللَّهِ لَمِمْ لَكُمْ لَدَيْنَ لَا يَعْقُلُونَ.

دین مبین اسلام نه تنها طرز تفکر سالم را توصیه میکند بلکه اصول و مفاهیم عمده و خطوط برجسته یک رژیم انسانی را نیز خاطر نشان کرده. اگر با اخلاص، منصفانه، عادلانه و بیغرضانه به آنها توجه شود و درین باره مراجعه کنیم به آیات قرآن کریم: و أمرهم شوری بینهم - و وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا.

انسانها از ابتدای تشکل جوامع جهت حل مسایل ذات البینی و در مقابل با خطرات احتمالی و یا تهدید احتمالی در مشوره مداوم به دفع آن میکوشیدند و تا حل موضوع متفرق نمی شدند. همچنین آیت طنین انداز و زیباترین نثر مسجع، سوره الرحمن می فرماید: «خلق الانسان علمه البيان!» خلق کردیم انسان را و به او حق اظهار نظر دادیم. آنچنانکه آدم از لحاظ جسمی و شکلی بهترین مخلوقات در عالم شناخته شده است، حق بیان آزاد نیز بزرگترین شاخصه برتری اولاد آدم است. خالق عالم انسانها را چه مرد باشد و چه زن حق بیان آزاد داده است تا مکونات ذهنی و فکری شان را در مسایل ذات البینی با هم نوعان خود در میان بگذارند و این عطیه خداوندی تنها در یک رژیم آزاد تحقق یافته میتواند که حدود و ثغور آن توسط کافه مردم در مشوره با تمام آزادی تعیین میگردد نه توسط «وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر» که یک موسسه سیاسی است.

انسانها از ابتدای تشکل جوامع جهت حل مسایل ذات البینی و در مقابل با خطرات احتمالی و یا تهدید احتمالی در مشوره مداوم به دفع آن میکوشیدند و تا حل موضوع متفرق (صفحه هشت)

داکتر سید مخدوم رهین وود بریج، ورجینیا

پیشنهاد به دفاتر مهاجرت سازمان ملل و موسسات خیریه ملی و بین المللی

هموطنان بیجا شده ما، به دلایل جنگ و حوادث ناگوار دیگر، در پایتخت و سایر مناطق افغانستان، همان طور که همه می بینیم در حالت دردناک و مصیبت باری قرار دارند، بخصوص که زمستان بیرحمی در پیش داریم. حالا که کشورهایی حاضر شده اند که از سر انسان دوستی، به ملت نیارمند ما مدد برسانند، خوب است که برای آوارگان هر منطقه کشور در همان منطقه شان کمپ هایی برپا دارند که از مکتب برای کودکان دختر و پسر گرفته تا سایر تاسیسات حیاتی در آن در نظر گرفته شود. همین طور برای خانواده هایی که با تحمل تحقیرها و آزار بسیار، آواره کشورهای همسایه شده اند و با توجه به وضع پریشان اقتصاد آن کشورها زمینه کار و معیشت از راه حلال نیز برایشان میسر نیست، مناسب است که در حال حاضر کمپ های موقت در نزدیکی مرز آن کشورها، در داخل خاک افغانستان، تاسیس شود که تا مساعد شدن زمینه کار، در همان کمپها زندگی کنند و دفتر مهاجرت سازمان ملل با تجاری که در این امر دارد، راهکاری جهت برقراری امور مربوط این کمپها در نظر گیرد و بارگران مسئولیت را از دوش همسایگان نیز بردارد. (۱۱ نومبر ۲۰۲۱)

مینار جام را دریابید

به سفارت کبرای محترم افغانستان - پاریس - فرانسه
مینار جام، آن یادگار بی نظیر عصر غوریان در وضع ناگواری قرار دارد. با توجه به زمستانی که در پیش است، مبادا خدا ناخواسته، فاجعه یی روی دهد و قامت استوار این یادگار بدیع نیاکان ما، از پا بیفتد.
از شمانما می رود تا در تماس با ریاست آبدات تاریخی و وزارت اطلاعات و فرهنگ و دفتر مرکزی یونسکو در پاریس، توجه عاجل مبذول دارید.

این فقیر در اولین سال پس از اجلاس بن، افزودن مینار جام را به عنوان شاهکار رفیع تاریخی و هنری در فهرست میراث فرهنگی جهان، پیشنهاد کردم که پس از غور و بررسی پذیرفته شد و سند آن در توکیو به امضا رسید. بدین گونه یونسکو نیز در قبال حفظ و حراست از آن مسئولیت دارد. در گذشته نیز یونسکو به این مسئولیتش عندالمراجعه پاسخ مثبت داده است. از آنجا که رئیس جمهور فراری افغانستان دفتر کار آمد و بایشینه افغانستان را در یونسکو لغو کرد، امید است آن سفارت محترم به این موضوع عاجل عطف توجه نماید. (۹ نومبر)

پیر مرد دسیسه ساز و کینه توز

گفته بودم خطاب به اشرف غنی از قول آن شاعر بزرگ که لباسی از ملامت تا دامان قیامت برای خودش بریده است. او بحق که در دسیسه سازی متفکر اول بود. دسیسه او را دیدیم که وقتی زیر فشار امریکایی ها که می خواستند او استعفا کند و حکومت انتقالی ساخته شود، او که دیوانه و اربه ادامه ریاستش دل بسته بود، وقتی ادامه ماندن در ارگ را ناممکن دید، چگونه نخست همه فرماندهان نظامی را از میان مریدان خود تعیین کرد که فقط از او و محب اطاعت کنند نه از آمران خود در وزارت دفاع. سپس فرمان عقب نشینی و تسلیم شدن را صادر کرد و ارتشی را که با هزینه گزاف و سعی صاحب نظران داخلی و خارجی در امور نظامی، در ظرف بیست سال ساخته شده بود، متلاشی ساخت، درین حال سفری به مزار کرد تا ساده دلان شمال را به اصطلاح گپ بدهد و شب قبل از فرارش به وزیر خارجه امریکا درباره استعفایش تلفونی اطمینان داد و فردایش خورجین خیانت ملی بر دوش راه فرار گرفت.

وقتی او رئیس پوهنتون کابل بود و شخصیت های مجرب و دانشمند آن کانون بزرگ علمی، به یوازه گویی هایش اهمیت نمی دادند، از آنان کینه در دل گرفت و به مجرد رسیدن به ریاست جمهوری تقلبی اش، در صدد انتقام برآمد و (صفحه هشت)

استاد محمد مُحَقِّق

تأملی بر میانه‌ی اسلام و سکولاریسم

در یک دهه‌ی گذشته اسلام‌گرایان سیاسی در افغانستان اصطلاح سکولار را بر سر زبان‌ها انداختند، تا راهی به تکفیر رقبا خود پیدا کنند بدون آن‌که خود متهم به تکفیری‌گری شوند، زیرا سکولار را تلویحا به معنای بی‌دین و ضد دین به کار می‌بردند، و از قرار گرفتن آشکار در صف تکفیری‌ها هم در امان می‌ماندند.

اما سکولاریسم چیست و نسبت آن با اسلام چگونه است؟ سکولار (secular) واژه‌ای انگلیسی است که، بر اساس لغتنامه آکسفورد، از ریشه لاتینی saecularis آمده و ترجمه آن در فارسی گیتی/دنیا است، و از این رو عده‌ای سکولاریسم را به گیتی‌گرایی یا دنیاگرایی ترجمه کرده‌اند.

اما در مورد تعریف اصطلاحی این واژه اتفاق نظر وجود ندارد، و بسته به مراد کسانی که آن را به کار می‌برند تفاوت پیدا می‌کند، و همچنان در سیاق‌های مختلف معانی مختلفی را می‌رساند. از این نظر می‌توان سکولاریسم را، طبق نظر علمای منطق، از نوع کلی مشکک دانست که طیف وسیعی از مصادیق متنوع را شامل می‌شود و دلالت آن بر هر یک قوت و ضعف پیدا می‌کند. در یک سر این طیف منکران دین قرار می‌گیرند و در سر دیگر آن مومنان راستینی که نمی‌خواهند دین‌داری شان با اغراض و مطامع دنیوی آلوده گردد، و نمی‌پذیرند که کشیشان و ملایان، میان آنان و خدا، واسطه‌گری کنند. یعنی سکولار بر طیف وسیعی از مردم اطلاق می‌شود که شامل بسیاری از دینداران و نادین‌داران است و اختصاص دادن آن به یک گروه غلط است.

اما واضح‌ترین، و تقریبا، شایع‌ترین معنای سکولاریسم، که مورد قبول اکثریت کاربران آن قرار دارد، و در اغلب مباحث سیاسی و اجتماعی مد نظر قرار می‌گیرد، باور به این نظریه است که رجال دین، یعنی ملاها و کشیشان، حق ندارند به حکم اینکه در باره دین آگاهی دارند، در امور دنیوی مانند طبابت، مهندسی، زراعت، مدیریت، تجارت و سایر مسایل دخالت کنند، بلکه نظر دادن در هر فن و رشته کار صاحبان آن رشته است. از این رو، نظر ملاها در حوزه عمومی که متعلق به همگان است و سیاست مهم‌ترین مظهر آن شمرده می‌شود، با نظر سایر مردم همسان است، و نظر آنان، به حکم آن‌که ملاحظه‌کنند، اعتبار بیش‌تری پیدا نمی‌کند. یعنی آنان نمی‌توانند ادعا کنند که چون با دین سر و کار دارند و دین هم از سوی خداست، پس هر چه در حوزه عمومی می‌گویند حکم خداست.. یعنی دانش دینی آنان سبب نمی‌شود که در امور دنیوی بهتر از صاحبان دیگر دانش‌ها باشند و امتیاز بیش‌تری به آنان تعلق بگیرد. این، به تعبیر علمای اصول، همان "ما به الاشتراک" است که در همه تعاریف سکولاریسم منظور می‌شود.

این نظریه را عده‌ای به نام جدایی دین از سیاست می‌نامند، اما این تعبیر گاهی سبب مغالطه و سوء فهم می‌شود، زیرا مراد اصلی از آن جدایی مطلق دین از مطلق سیاست نیست، بلکه جدایی نهادی که ملاها به پیش می‌برند و نماینده دین انگاشته می‌شود از نهادی است که سیاست را به پیش می‌برد که حکومت یا دولت است. سخن بر سر تفکیک قلمرو دو نهاد است.

به لحاظ تاریخی، این نظریه در اروپا پس از دوران رنسانس مطرح شد، چون جایگاه برتری که نهاد دین در قالب کلیسا برای خود قابل شده و در عرصه عمومی صاحب تصمیم نهایی شمرده می‌شد مردم و به ویژه دانشمندان را به ستوه آورده بود، به این جهت که ملاهای مسیحی در هر زمینه‌ای، از موضوع گردش خون در بدن گرفته تا گردش سیارات به دور خورشید، نظر می‌دادند و هر دانشمندی را که نظری خلاف آنان دادی به مجازات می‌رساندند. آنان محاکم تفتیش عقاید را برپا کردند و فجایع عظیمی مرتکب شدند. از این جا بود که در مقابل این وضعیت، نظریه سکولاریسم طرح شد تا ملاها را به نظر دادن در امور دینی محدود کند و دیگر عرصه‌ها را به صاحبان تخصص‌ها بسپارد. از این رو، برخی در تعریف سکولاریسم گفته‌اند تفکیک قلمرو امور دینی از امور دنیوی، یا تفکیک قلمرو امور عقلانی از امور وحیانی. یعنی جوهره اصلی سکولاریسم را تفکیک قلمروها تشکیل می‌دهد تا واضح باشد که در چه زمینه‌هایی عقل آدمی بسنده است و نیازش را برآورده می‌کند، و در چه زمینه‌هایی احساس ناتوانی کرده و نیازمند نیروی فرازمینی است تا به یاری‌اش بشتابد.

این نظریه هرچند، به عنوان تئوری‌ای مدون و با پشتوانه فلسفی، چند صد سال پیش‌تر عمر ندارد، اما تفکیک قلمروهای امور عقلانی از امور فراعقلی پیشینه بسیار درازتر دارد و به چند هزار سال قبل بر می‌گردد، به روزگاری که تمدن آغاز یافته است. در ادوار پیشاتمدن، در عصر شکار و عصر کشاورزی، تا روزگاری که تمدن سومری آغاز یافت، طبقه‌ای شکل گرفته بود که به نام شمن یا کاهن شناخته می‌شدند، و این طبقه ادعا داشتند که فنونی از قبیل جادوگری، ارتباط گرفتن با ارواح، جنیبات، خدایان، نیروهای ماورای طبیعی و مانند این را یاد دارند. مردم که در آن دوره از دانش چندانی برخوردار نبودند در امور گوناگون به افراد این طبقه مراجعه می‌کردند. مثلا، اگر می‌خواستند بدانند که سال آینده باران خواهد آمد یا نه، یا اگر به سفر بروند با خطر مواجه خواهند شد یا خیر، و یا حتی در امور روز مره مانند تداوی بیماران و حل و فصل دعاوی و.. این افراد را مرجع می‌شمردند. بشر برای هزاران سال با این وضع زندگی کرد. اما از هنگامی که انسان با به آستانه‌ی تمدن نهاد، نخستین خشت‌های وضعیتی که امروزه سکولاریته گفته می‌شود نهاده شد، زیرا مردم یاد گرفتند که برای تداوی بیماران به طبیب مراجعه کنند نه به شمن، و برای کشت و کار به تجربه خود متکی باشند نه به پیشگویی غیبگویان. درخشان‌ترین دوره تاریخ قدیم که تفکیک قلمروها را روشن‌مند کرد تمدن یونان باستان بود که دانش‌هایی مانند ریاضیات، طب، نجوم، موسیقی، منطق، فلسفه و غیره به میان آمد و کارکرد هر تخصص را نشان داد و باور انسان‌ها را به فهم امور معیشتی به کمک خرد انسانی تقویت بخشید. از آن پس تا به امروز، هر چه بر دانش بشر افزوده شده، تخصص‌های بیش‌تر با توانایی‌های افزون‌تری به میان آمده و انسان‌ها به همان پیمان‌ه نیاز کمتری به کشیشان و ملایان پیدا کرده‌اند، به گونه‌ای که اگر دیگر هیچ کشیش و ملایی وجود نداشته باشد هیچ رخنه و خللی در زندگی مردم پیش نمی‌آید. دانش‌هایی مانند قانون، سیاست، مدیریت، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پزشکی، مهندسی، تجارت، اقتصاد، روابط بین‌الملل و غیره تقریبا همه بخش‌های عملی زندگی انسان‌ها را پوشش می‌دهد.

اگر از این حیث در نظر بگیریم، دین اسلام در همین مسیر به پیش رفته و با تفکیک قلمروها مشکلی ندارد، بلکه با آن کاملا سازگار است. اولین کاری که اسلام در این راستا کرد حذف طبقه روحانی و رجال دین بود که قرآن مجید آن را به رسمیت نشناخت. ما تنها در قرآن تاکید بر علم را داریم، و واژه‌ی علما تنها یکی دو بار به کار رفته و آن‌هم در سیاق دانش‌های طبیعی است نه علوم دینی (سوره فاطر، آیه ۲۸) و برای آنان هیچ امتیاز قدسی و نیروی متافیزیکی قابل نشده است. مهم‌تر از آن این که پیامبر اسلام، به حیث بالاترین مرجع انسانی در اسلام، به عنوان بشری معرفی شده است که غیب نمی‌داند (سوره انعام، آیه ۵۰) و مالک نیرویی ماوراءالطبیعی برای نفع و ضرر نه برای خودش است و نه برای دیگران (سوره اعراف، آیه ۱۸۸). قرآن حتی تاکید کرد که پیامبر در امور دنیوی باید با مردم مشوره کند و رأی آنان را در نظر بگیرد (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹). او هم با صراحت بیان داشت که در امور دنیوی با بقیه فرقی ندارد و مردم از او داناترند: "أنتم أعلم بأمردنیاکم" (صحیح مسلم).

افزون بر این، فلاسفه مسلمان و نیز بخشی از فقها و متکلمان "اهل رأی" با به رسمیت شناختن حسن و قبح عقلی در کنار حسن و قبح شرعی که در تاریخ اندیشه اسلامی مبحث پربراری بوده است، بر توانایی خرد آدمی در تشخیص خوب و بد صحنه نهادند.

از این لحاظ، سکولاریسم نه تنها با اسلام در تضاد نیست، بلکه اسلام خود دینی سکولار است و پیامبر اسلام یگانه پیامبری است که به صورت آشکار دانش انسانی را در امور دنیوی بسنده و برتر از دانش نبوی در این زمینه دانسته است. از همین رو، دانشمندی مانند ابن خلدون، شهاب الدین قرافی و شاه ولی الله دهلوی نظرات پیامبر اسلام را در امور دنیوی محض مانند توصیه به خوردنی‌هایی خاص، که امروزه سلفی‌ها به نام طب نبوی ترویج می‌کنند، از نوع دانش‌های رایج در زمانه و محیط اجتماعی وی می‌دانند نه از جنس وحی و اموری که ریشه در دانشی فراگیری و فرازمینی داشته باشد.

آن‌چه گفته شد مفهوم کانونی سکولاریسم است و در بیشتر مباحث مربوط به این موضوع همین مفهوم مورد توجه و مراد صاحب‌نظران است.

البته کسانی نیز سکولاریسم را در معانی دیگری از جمله آتئیسم (Atheism) و گاه دین‌زدایی یا دین‌ستیزی نیز به کار برده‌اند، اما کاربرد آن به این مفاهیم اعتباری ندارد، و به اصطلاح فقها خلاف رأی جمهور است. در حقیقت، دولت‌ها و جوامع سکولار به همه ادیان احترام نهاده، آزادی مناسک و معابد دینی را تضمین کرده، و با پیروان همه ادیان موضع یکسان دارند و آنان (صفحه هشت)

داکتر غلام محمد دستگیر برومفیلد، کولورادو

باغیان طالب ظالم و محققین مهربان کافر

به تعقیب مقاله «ظلم ملاهای طالبی بر مسلمانها و رحیم کافر» بر حیوانات که بر وزدوشنیه اول نومبر در سایت وزین آریایی از ۱۱ اکتوبر تا ۲۵ اکتوبر ۲۰۲۱ به نشر رسید اینک چند راپورمظالم باغیان طالبی را به تعقیب آن که از ۲۵ اکتوبر ۲۰۲۱ تا هشتم ماه نومبر رخ داده است، (شورای دموکراتیک صلح و سعادت) که مخفف آن DPPC میباشد بدسترس مافار داده اند؛ بعد از عرض سپاس بی پایان و تمنای اجر عظیم برای هریک جوانان زحمتکش و وطن دوست این شورا، حضورتان تقدیم میدارم. ولی ازینکه خاطر خوش تان را با افعال طالب ظالم که بر هموطنان رنجکشیده مارواداشته اند متاثر میسازم، معذرت میخوام.

۲۵ اکتوبر ۲۰۲۱، در غور، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: جنگجویان طالب چهار نفر ملکی در محل «شیمرغک و شیرخواجه» ناحیه شاهرک در حالی که روانه شرکت در یک محفل عروسی بودند به قتل رسانیده اند. این قتل روی دشمنی صورت گرفته بود که مسکونین محل در اثنای مبارزات مقاومتی (دفاعی) ضایعات سنگین به طالب وارد ساخته ۳۰۰ طالب را کشته بودند؛ از همانروز به بعد در جستجوی انتقام بوده اند (یعنی آن ادعای عفو عمومی فقط برای فریب دادن مردم و جهانیان بود و هدف اساسی شان {بال مردم را خود دادن} و باعزم انتقام جویی خون مردمان معصوم را ریختن آن بود).

۱۲۶ اکتوبر ۲۰۲۱، در قندهار، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: جسدیک پسر ۱۸ ساله که بصورت اسرار آمیزه قتل رسیده بود در ناحیه ۱۱ قندهار کشف شد.

۲۶ اکتوبر ۲۰۲۱، در غور، خشونت و آزار دادن: طالبان، یک پسر و یک دختر را که ۲۰ سال عمر داشتند، بعد از اینکه (از محل) فرار کرده بودند مجبور به ازدواج ساخته شلاق کاری نمودند. در جریان این عمل طالبان تهدید به مرگ نمودند؛ اگر کسی این عمل شان را فلمگیری کرده باشد منتشر کند.

۲۶ عدلی: جنگجویان طالب در مسیر راه کابل مزار شریف یک دختر جوان اکتوبر ۲۰۲۱، در سمنگان، قتل ظالمانه و بدون قضاوت را بقتل رسانیدند. به اساس معلومات منابع محل، زمانیکه به پالیدن بس مسافر بر در شهر ایک میپرداختند این دختر را منحیث مامور یک اورگنایزیشن بین المللی شناسایی نموده از بس پایان کردند و در شاهراه به قتل رسانیدند، این دختر راهی ولایت بلخ بود. ۲۷ اکتوبر ۲۰۲۱، در ولایت لوگر، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: مردنا شناس تفنگدار یک خانم را در ناحیه برکی برک به قتل رسانید.

۱۲۷ اکتوبر ۲۰۲۱، در پکتیا، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: مرد ناشناس تفنگدار شاگرد ۱۸ ساله یک مدرسه تعلیمات اسلامی را که صفی الله نام داشت شکنجه نموده به قتل رسانیدند. قرار یک راپور، سه روز قبل تفنگدار ناشناس او را با خود برده بود.

۱۲۷ اکتوبر ۲۰۲۱، در ننگرهار، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: یک نفر ملکی توسط مرد تفنگدار ناشناس در ناحیه پنجم شهر جلال آباد به قتل رسید.

۱۲۹ اکتوبر ۲۰۲۱، در فاریاب، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: یک مرد ناشناس تفنگدار یک عالم دین را به نام مفتی بسم الله در قریه کلداری ناحیه خیبر به قتل رسانید.

۱۲۹ اکتوبر ۲۰۲۱، در بامیان، غضب ملکیت: منابع محل در بامیان ادعا دارند که باغیان طالب مواشی مردم را بروز ۲۶ اکتوبر در ولایت باجیر و زور قدرت به تصرف خود در آورده اند. این روش به مقامات عالیرتبه طالب اطلاع داده شد ولی کدام اقدامی صورت نگرفت. غضب و دزدی ملکیت های مردم از طرف طالبان در چندین محل بامیان راپور داده شده است.

۱۳۰ اکتوبر ۲۰۲۱، در خوست، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: جسدیک مرد جوان از ولایت خوست که سه روز قبل از خانه برآمده بود، در ولایت لغمان یافت شد. مردمان محل گفته اند که یک عسکر قوای نظامی سابق بود.

۱۳۰ اکتوبر ۲۰۲۱، در ننگرهار، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: روز جمعه (۱۲۹ اکتوبر) طالبان در یک محفل عروسی در ناحیه سرخورد حمله برده بصورت وحشیانه بدون در نظر داشت زن و مرد و طفل و خوشی محفل بر حاضرین فیر کردند که دونفر به قتل رسید و نفرزخمی شد. مسکونین محل گفته اند حوالی ده شب باشیدن موسیقی طالبان به محفل عروسی داخل شدند.

۱۳۱ اکتوبر ۲۰۲۱، در ننگرهار، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: طالبان دو مامور حکومت قبلی را در ناحیه چپرهار به دار آویختند.

اول نومبر ۲۰۲۱، در ننگرهار، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: مولوی عبدالواحد یک عالم دینی توسط ناشناس تفنگدار در کابل - هدهه ساحة فامیلیهای شهر جلال آباد بقتل رسید. (صفحه هفت)

Imaid Weekly
 12286 Ashmont Ct. # 202
 Woodbridge, VA 22192 - 7075 U.S.A.
 Tel/Fax : (703) 491-6321
 mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول: محمّد قوی کوشان

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰) دالر - یکسال (۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر - یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر

Omaid Weekly

12286 Ashmont Ct #202

Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

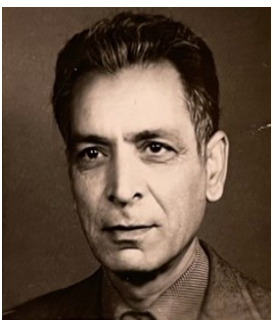
Tel/Fax : (703) 491-6321

Email: mkqawi471@gmail.com

ضایعه علمی و فرهنگی

جناب شادروان سید اسدالله استاد سابقه دار لیسه عالی غازی به تاریخ ۲۴ اکتوبر ۲۰۲۱ در شهر الکسندریه ایالت ورجینیا به رحمت حق پیوست. (ما از آن اویم و به سوی اوباز می گردیم. آیه)

استاد مرحوم پس از فراغت از دانشکده دانشگاه کابل، به شغل مقدس معلمی پرداخته و هزاران فرزند کشور را در مضمون کیمیا تدریس فرمود. مرحوم استاد در سال ۱۳۰۷ در کابل تولد شده بودند.



مرحوم استاد سیداسدالله

وفات آن بزرگوار را خدمت همسر محترمه شان بی بی سیما گل، و فرزندان شان نظیفه ساویز، سیدنجات الله، سید عبدالباری، برادرشان داکتر سید فضل حسن شاه، و برادر زاده های شان جنابان سید نقیب الله ولی و سید حبیب الله ولی و دیگر بازماندگان صمیمانه تسلیت عرض کرده به همه شان صبر جمیل و به روان استاد مرحوم دعا و درود اهدا نموده رحمت الهی (ج) را شامل حال شان می خواهیم. اداره امید

کرزی، احمدزی و طالبان

خارجه و دفاع و قصر سفید قرار نگرفت. خلیزاد مانند کرزی در مصاحبه هایش گفت که او از اشغال کابل توسط طالبان در ۱۵ اگست اطلاع نداشت.

ولی بیاید حرفهای ملا عبدالسلام ضعیف قوماندان طالبان را در همان شب بشنویم که گفت:

کرزی صاحب ده بجه صبح برای من تلفون کرد که به طالبانی که در حومه کابل اند امر کن که به شهر داخل شوند، اشرف غنی رفته وقوتهای پلیس امنیت نیست و به طالبان بگو هر چه زودتر داخل کابل شوند که کدام گپ نشوه، اشرف غنی حکومت رهاکرده، طالبان را بگو وقت را از دست ندهید مولوی صاحب فهمیدی وقت حساس است.

من برایش گفتم کرزی صاحب من به طالبان اجازه نمیدهم داخل کابل شوند بخاطری که امریکاییها مارا میزنند کل ماره میکشن، مه ایکاره نمی کنم. ولی کرزی اصرار کرده میرفت که مولوی صاحب زود طالبانه ده شار داخل کو، ارگ خالیس، زود داخل شوین زود که کسای دگه خیر نشه.

ولی کرزی بیشتر اصرار کرد و من برایش گفتم چی باش که به خلیزاد زنگ بزنم که چی میگه.

مه به خلیزاد زنگ زدم و قضیه ره برش تشریح کردم، او گفت مره وخت بتی که با قوماندانان عمومی قوای امریکادر کابل تلفون کنم، شما کاری نکنین منتظر مه باشین، مه دوباره برت تلفون میکنم که هدایت او جیس. بعد از یک ساعت خلیزاد زنگ زد و گت برایشان بگو که داخل شهر شون!

قرار گرفته ملا ضعیف خلیزاد درد و حه بود. خلیزاد در گفته ها و مصاحبه هایش چنین وانمود کرده که از پلان تسلیمی ارگ به طالبان آگاه نبود و حتی در مصاحبه اش بعد از فرار غنی احمدزی او را نکوهش کرده و او را مسئول برهم زدن پلان به اصطلاح مذاکرات صلح میدانند.

غنی احمدزی درین صحبت میگوید: ... «ما به این نتیجه رسیدیم که برای رهایی از شر شمال و دوستم، تاجیک و اوزبیک و هزاره فقط یک راه است و آنهم حضور قاطع و فاتح طالبان و بس! از همین سبب به حکومت موقت تن ندادم و حکومت عبوری را رد کردم. / (ادامه دارد)

قضاوت عدلی: به تعقیب راپور سوختاندن چهار نفر معتادین در نیلی مرکز ولایت توسط باغیان طالبان در ماه اکتوبر امسال (۱۵ اکتوبر)، یک منبع امنیتی مؤثق ادعا کرده است که سه نفر آن مقتولین سوختانده شده عضو قوای نظامی سابق و یک نفر شان هم فعال اجتماعی بود. او علاوه نمود که باغیان طالب فامیل های مقتولین را با تهدید هدایت داده اند تا درین باره زبان به سخن نگشایند.

هشتم نومبر ۲۰۲۱، در تخار، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: باغیان طالب در ناحیه (سرای سنگ) تالقان مرکز ولایت یک پسر خورد سال را به قتل رسانیده اند. منابع محل، ادعا دارد که وی بعد از اینکه متهم حمله بر خانه طالب باغی بوده یک نفر شان را به قتل رسانیده است از طرف طالبان کشته شد. حکم محکمه طالب، حبس متهم بود؛ ولی در محضر عام توسط قوای طالب با فیر تفنگ به قتل رسید.

هشتم نومبر ۲۰۲۱، در غزنی، حبس غیرقانونی و اختطاف: مردم در ناحیه جغتو ادعا دارند که مامورین و باغیان محلی طالبان، مامورین پولیس و اعضای قوای نظامی حکومت قبلی را محبوس نموده چندین نفر را از دو روز به این طرف اختطاف نموده اند که تا هنوز از تعین سرنوشت شان خبری نیست.

هشتم نومبر ۲۰۲۱، در کاپیسا، خشونت و آزار: باغیان طالب در آزار مردم از شروع اشغال شان تاحال دوام داده اند. آخرین حادثه لت و کوب و محبوس ساختن مدیر یک مکتب بود که از وی تقاضای اسلحه و تسلیحات داشتند.

این گروه طالب که ادعای مسلمانی سچه دارند باورکنید اسلامی است که در هیچ سنت و فقه دیده نشده است. و اما زیادت با زندگی تاوه خانه و عنعنه پشتونخواهی مشابهت دارد که هدف شان تسلط بر هست و بود مادی و معنوی و فرهنگی ما با پشتونیزه ساختن افغانستان عزیز و لطمه بر اسلام محمدی پیامبر والا شان ما میباشد. طالب ظالم، برای رسیدن به این هدف از هر نوع شکنجه و بی حرمتی کار میگیرند. اکنون بنگرید امریکایی های را که طالب کافر مینامیند تا چه حد حتی برای حق حیوانات مبارزه دارند ولی این طالبان، مسلمانانی را که خادم مردم خود بودند با بیرحمی تام، خود شان و فامیل های معصوم شانرا لت و کوب میکنند و می کشند.

امریکا، بروز دو شنبه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۵ (قانون ستاندرد های بهتر تری برای حیوانات لایرا توری) را تصویب نمود. این قانون در اثر مساعی یک پروفیسر از دانشگاه دینور کولورادو طرح گردید. وی از طریق تحقیقات، مقالات، خطابه ها و مصاحبه ها توانست توجه سیاستمداران را جلب نماید که بعد از سالها زحمات بی شائبه در روز سه شنبه چهارم می ۱۹۸۲ در یک جلسه استماعیه حمایت خود را از حیوانات و نباتات و حتی زمین های لامزروع تقدیم نمود که بر سیاستمداران مؤثراقتاد و منتج به توشیح یک قانون گردید.

(قانون ستاندرد های بهتر تر برای حیوانات لایرا توری)، توجه مهربانانه را با ذکر مراعات اصول حفظ الصحه، مسکن مناسب و تهویه صحی خواستار است و به وزیر زراعت هدایت داده شد تا اصولاتی را برای تمرین سگها نیز تهیه نموده و یک محیط فیزیکی مکفی را جهت سلامتی سایکولوجیکی حیوانات مد نظر گیرد. خاصاً درد و شکنجه در عملیه های تجربوی حیوانات باید کمترین باشد و محقق ارشد باید طرق مختلف را در چنین حالات تجسس نماید. همچنین قانون، پرکتس های را که درد ناک بوده میتواند تعریف نمود. ذکر گردیده که هیچ حیوانی بیش از یک عملیات بزرگ جراحی تجربوی که مترافق با به هوش آمدن هم باشد معروض نگردد (بشمول بعضی استثنائات). کانگرس هدایت داد تا تاسیس (کمیته استعمال حیوانات برای تدریس و رفاه شان) با شرح: رول، ترکیب و مسؤولیت ها در صورت ضرورت به (سرویس تفتیش صحت حیوانات و نباتات) معرفی گردد. همچنین قانون، شامل تشکیل یک سرویس معلوماتی در (کتابخانه ملی زراعتی) میباشد تا در تهیه مدارک علمی برای اصولاتی که توسط قانون برای وقایه از تکرار ریسرج های ناخواسته، تریه مستخدمین، تجسس برای دریافت طریق های که استعمال حیوانات تجربوی را تنقیص دهد و یا تعویض نماید کمک نموده و برای اینکه چگونه درد و شکنجه حیوان تحت تجربه کاسته شود معلومات علمی میسر سازد. قسمت اخیر قانون مجازات را برای خلاف رفتارن تذر داده است.

کشورهای جهان، نزد شعور خود، وجدان خود و مردم خود خجل و شرمنده و جواب گو خواهند بود که اگر چنین گروه وحشی، بی رحم، غاصب، دزد، چپاول گر، دروغگو و وعده خلاف را که فقط به عنعنات پشتونخواهی خود باور دارند و به دیگران اهمیت قابل نیستند به رسمیت بشناسند. جوابگویی کشور های جهان دو بالا می شود اگر این گروه ظالم بد اخلاق را جزء مردمان مدنی، انسان دوست و صادق جهان در دایره اخلاق بین المللی جا دهند. /

باغیان طلب ظلم...

دوم نومبر ۲۰۲۱، در زابل، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: عطاء الله محمد یک پولیس سابق در قلات دیروز (اول نومبر) توسط یک ناشناس تفنگدار به قتل رسید.

سوم نومبر ۲۰۲۱، در بغلان، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: باغیان طالب، یک افسر امنیتی سابق را در ناحیه [ده صالح] به قتل رسانیدند. فامیل مقتول ادعا دارد که فرزند شان در سابق عضو قوای خاص ولایت غور بود.

سوم نومبر ۲۰۲۱، در ننگرهار، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: ناشناس تفنگدار در ساحة چکنوری ناحیه ۷ شهر جلال آباد دو نفر را به قتل رسانید.

سوم نومبر، در ننگرهار، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: دو نفر بصورت اسرار آمیز در ساحة تورخم به دار آویخته شده بود؛ افشای هویت و دلیل قتل شان توضیح نشده است. یک تونه کاغد در روی جسم شان دیده شد که نوشته بودند: با ISIS K - رابطه داشت.

چهارم نومبر ۲۰۲۱، در بلخ، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: جسدهی روح چهار خانم دریرون مزار شریف کشف شد. منابع محل میگویند مقتولین از ۲۷ اکتوبر به اینسو مفقود الاثر بودند. از نشانه های مرمی در جسم شان پیداست که انها با فیرهای خشونت آمیز به قتل رسیده اند. قرار اظهارات فامیل های مقتولین آنها به فعالیت های مدنی حقوق بشر حوصه داشتند. افزون بر آن گفته اند: بعد از رسیدن یک تماس تلفونی که معلوم میشود بصورت فریبنده، تیلفون کننده خود را از طرف یک اورگنایزیشن حقوق بشر معرفی نموده بود، ناپدید شدند.

چهارم نومبر ۲۰۲۱، در بلخ قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: باغیان طالبی چهار عضو یک فامیل را در ساحة فقیر آباد ناحیه پنجم شهر مزار شریف به قتل رسانیدند. منابع محل راپور میدهند: بفکر اینکه در قوای نظامی قبلی خدمت کرده اند خانه را مورد حمله قرار دادند.

چهارم نومبر ۲۰۲۱، در کابل، خشونت و آزار: یک پروفیسر [دانشگاه خصوصی کاتب] را در محل بازرسی و سایط نقلیه از طرف باغیان طالب چون دریشی به تن داشت لت و کوب نموده با فیر گلوله او را مجروح ساختند.

چهارم نومبر ۲۰۲۱، در سمنگان، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: جسدهی مرد در قریه رودگل ناحیه دره صوف پایان دریافت شد. منابع محل ادعا دارد که یک پارچه کاغد در روی جسد مقتول دیده شد که نوشته بودند (از وابستگان - ISIS K بود). همچنین منابع محل گفتند باغیان طالب بروز سوم نوامبر یک معلم مکتب را در پیش روی خانه اش در ناحیه دره صوف پایان با فیر گلوله به قتل رسانده اند. علاوه تا، بروز دوم نوامبر، در همین ناحیه، طالبان به قتل یک مرد ۲۴ ساله پرداخته اند.

پنجم نومبر ۲۰۲۱، در اوروزگان، خشونت و آزار: باغیان طالب در یک خانه داخل شده اعضای فامیل یک پولیس سابقه را شدیداً لت و کوب داده اند. این فرد ادعا دارد که باغیان طالب در خانه اش داخل شده مادر و برادرش را شکنجه نموده خواهان اسلحه و تسلیحات بودند.

پنجم نومبر ۲۰۲۱، در دایکندی، غصب دارایی و استفاده از جبر غیرقانونی: دو کانداران در ناحیه شهرستان شکایت دارند که علاوه بر درخواست جبری پول و مالیه آنها را به برافراشتن بیرق های طالبان بر دوکان هایشان مجبور ساخته اند.

پنجم نومبر ۲۰۲۱، در نورستان، عمل جبری: دهقانان نورستان ادعا دارند که باغیان طالبی به استفاده از جبر و زور، تحت نام عُشر، از ایشان پول میخوانند.

ششم نومبر ۲۰۲۱، در پنجشیر، شکنجه و تقاضای جبران: مسکونین ناحیه پریان گفته اند طالبان مردم را با شکنجه های متکرر اذیت نموده تقاضای تهیه اسلحه و تسلیحات دارند.

هفتم نومبر ۲۰۲۱، در ننگرهار، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: یک ناشناس تفنگدار سه نفر را در ناحیه هشتم به قتل رسانید. قرار منبع، یکی از مقتولین قبلاً در قوای نظامی ناحیه شیرزاد خدمت کرده بود.

هفتم نومبر ۲۰۲۱، در بلخ، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: روز ششم نوامبر دو مرد و دو زن بصورت اسرار آمیز در ساحة فقیر آباد ناحیه پنجم مزار شریف به قتل رسیده اند. منابع محل راپور میدهند که خانم ها قبلاً در (پولیس ملی افغان) و وظیفه داشته اند.

هشتم نومبر ۲۰۲۱، در ننگرهار، قتل ظالمانه و بدون قضاوت عدلی: دو برادر از ناحیه چیرهار ولایت ننگرهار توسط یک فرد ناشناس تفنگدار به قتل رسیده اند. منابع محل گفته اند که آنها اعضای حزب اسلامی بودند.

هشتم نومبر ۲۰۲۱، در دایکندی، قتل ظالمانه و بدون

کتاب (یادداشت‌های استاد خلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند یک نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Amaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World
Volume 30, Issue No. 1088, NOVEMBER 21, 2021, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسامبر ۲۰۲۲ ارسال دارند. تلفون ۷۰۳ ۴۹۱ ۶۳۲۱
mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192—7075 U.S.A.

مکتوب سرگشاده ...

نمی شدند تا بالاخره با تجارت متعدد از مفیدیت چنین یک رویه ملتفت شده و در جهت نهاده نمودن آن اقدام کردند که به مرور زمان و با مساعدت عوامل دیگر به انواع دموکراسیها طبق خصوصیات و عنعنات هر ملت تبارز کرد. ناگفته نباید گذاشت که کلمه پارلمان عیناً کلمه شورا را تداعی می کند.

به اساس آیات فوق نوع تنظیم یک جامعه امریست که به کافه مردم تعلق می گیرد نه به یک گروه خاص. جهت احداث یک نظام سیاسی – اداری باید از همه اولتربیه مردم مراجعه شود، بدون نظرخواهی و حصه گرفتن مردم، هر نوع رژیمی که تاسیس گردد در واقعیت امر غصب قدرت است. یگانه رژیمی که در آن هوبت، کرامت، حق و حقوق انسان مراعات شده میتواند دموکراسی خواهد بود. فلذا این عطیه متبرک در یک نظام اسلامی باید از دستبرد قدرت سیاسی در امان باشد.

تا جاییکه به ما مردم افغانستان تعلق میگیرد امکانات رستخیز و نجات ازین زندگی خفتبار و حالت فلاکت میسر است، اگر با اخلاص و نظر باز به تعلیم چنان آیتانی پرداخته شود که در آن خیر و صلاح مردم باشد نه انحصار قدرت. اسلام با ارزشهای والای انسان معاصر مشکل ندارد. دین اسلام به هیچصورت نظام دموکراتیک را رد نمیکنند، مفاهیم عمده آن که در قرآن پاک ذکر شده است، منسوخ شمردن نظام دموکراتیک ناشی از غرض است، دموکراسی با دین ممانفات ندارد، مشکل در فهم و در نیت ما انسان هاست!

وطنداران طالب! درسده های اخیر مردم بد قسمت کشور ما تقریباً فاصله هر چهل سال به جنگهای تحمیل شده وی نتیجه با فاجعه های دردناک و برادر کشی اسفناک مبتلا بوده و هنوز هم در تاریکی ویی سرنوشتی کامل قرارداد، امیدوارم که با گرفتن قدرت توسط نمایان صلح عادلانه و انسانی با تمام معنی آن تامین شده بتواند و مالک الرقاب واقعی مردم افغانستان گردد. در چنین یک حالت بحرانی و نهایت خطیر معقول نبود که تمامی اعضای کابینه تان از ملاصاحبان کم و بیش بیسواد تشکیل میشد! به تنهایی شمانمی توانید ازین آزمون تعیین کننده موفقتان بدر آید مگر که از متخصصین مخلص و وطندوستان مسلکی و متعهد استفاده کنید. کمبودهای مزمن ملی و بحران ناشی از خطر قحطی نه تنها مردم بی بخت و بیچاره مارا تهدید کرده راهی است بلکه رژیم شمارا هم در معرض امتحان قرار داده است. بدون کمکهای جهانی بعبه به نظرمیرسد که ازین ورطه جان سلامت برده بتوانید!

بهر حال این دور افتاده از وطن، محمد حیدر سابق مدرس درفاکولته حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یا پوهنتون کابل در دوره های شصت و هفتاد قرن گذشته... دعامی کنم و از حضرت عز وجل تمنا دارم تا خشونت های گذشته بر مردم مظلوم ما باز اجرا نگردند و به مرحمت خداوند یک فصل ترقی و روشن در تاریخ بعضی اوقات تاریخ کشور ما باز کرده بتوانید. آمین یارب العالمین من آنچه شرط بلاغ است باتو میگویم

تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال /
جناب داکتر محمد حیدر از اساتید سابقه دار و نامدار دانشکده حقوق و علوم سیاسی کابل و رئیس دانشگاه کابل بودند .

کشیدم و بالای آن یک دایره رسم کردم که شعاع آن ۲۰ الی ۳۰ کیلومتر بود و به ملا برادر اخطار دادم که طالبان نباید داخل این دایره شوند و باید قوای شان ازین دایره در شهر کابل دور باشند، در غیر آن امریکا بالای شان حمله میکند. ملا برادر قبول کرد ولی گفت طالبان قبلاً داخل این دایره شده اند و آنها نمی خواهند بیرون شوند. جنرال مکنزی گفت وظیفه او اینست که قوای امریکا و کسانی که با امریکاییها کار کرده اند صحیح و سلامت از کابل خارج نمایم. ملا برادر قبول کرد و گفت ما امنیت میدان هوایی رامیگیریم تا امریکایی ها و کسانی که با ایشان کار میکردند خارج شوند.»

قصر سفید و وزارت خارجه امریکا با پلان جنرال مکنزی همونابودند و تاریخ ۸ اگست پلان خروج قوا را از کابل به وزارت دفاع و خارجه و قصر سفید کرده بود که در آن تذکر داده شد که کابل طی ۲۰ الی ۳۰ روز در محاصره طالبان قرار خواهد گرفت که مورد دلچسپی مقامات وزارت های (صفحه هفت)

پیر مرد دسیسه ساز...

و زمینه سازی کرد تا پوهاند ها و استادان مجرب را به تقاعد سوق داد، آن هم در کشوری که کمبود استاد به شدت محسوس بود.

در انتخابات گذشته، سه تن از وزرا که دوستانم بودند، مرا دعوت به همکاری باغی کردند که نپذیرفتم، دوست دیگرم، داکتر زلمی رسول نیز دعوت گونه یی کرد که صمیمانه رد کردم. آنگاه از دفتر غنی تلفون کردند که چند نفری میخواهند به دیدنم بیایند. گفتیم به شما تلفون میکنم و نکردم. پس از یک هفته خانم مؤدبی از ارگ تلفون کرد که با چند نفری خواهد به دیدنم بیایند. گفت که رئیس صاحب به شما احترام خاص و به مشوره های بتان علاقه بسیار دارند.

گفتم: پس ممکن است، یک مشوره مرا به رئیس صاحب برسانین؟ گفت: البته، البته. گفتم: به رئیس صاحب بگویین بهترین کاری که میتانی برای این ملت بکنی، اینست که استعفا کنی، چرا که درین پنجسال ملت را جو جو کدی.

خانم حیران ماند که چه بگوید، مؤدبان به سرعت خدا حافظی کرد. ساعتی بعد یکی از آشنایان تلفون کرد و گفت به آن خانم چه گفتین؟ من عین همان کلمات را به او گفتم. گفت که خانم و همراهانش بکس تحفه یی هم آماده کرده بودند.

از آن پس چون می دانستم که غنی آدم کوچکی است انتظار واکش او را داشتم. در اجراءات پانزده ساله ام چیزی نیافت که مرا ترور شخصیت کند، در چنین موارد استخبارات او راه دیگری هم داشت، زنان بد کاره را به کار می انداخت. روزی به یکی از ماموران استخباراتی او که آدم بدی نبود، گفتم: دسیسه رهبر تان نقش بر آب شد. تبسمی کرد و گفت: رئیس صاحب مونتاژ کردن عکس ها را هم به ما یاد داده.

پیر مرد تا این حد کینه توز، دسیسه باز، کوچک و حقیر بود. (۹ نومبر ۲۰۲۱)

تاملی بر میانه ی اسلام و سیکولاریسم

را بر اساس اعتقادات دینی شان به شهروندان درجه اول و درجه دوم تقسیم نمی کنند.

سنیان و شیعیان مسلمان در هر کشور سکولار می توانند مساجد خود را برپا کنند و در هر دولت سکولار می توانند به هر منصبی برسند، ولی سنی ها نمی توانند در پایتخت پر ادعاه ترین نظام اسلامی، در تهران، مسجد داشته باشند، و شیعیان هم نمی توانند در سعودی جایگاهی برابر با سنی ها را احرار کنند. این همان فرق بنیادی نظام سکولار با نظام تقو کراتیک دینی است.

از این رو باید از کلمه سکولار هراسی نداشته باشیم و به سخن کسانی که آن را به معنای بی دین و ضد دین به کار می برند اهمیتی ندهیم.

در عالم واقع، اکثریت مسلمانان سکولار هستند زیرا برای درمان بیماری خود به طبیب مراجعه می کنند نه به منترخوان، و برای تصمیم گیری در امور زندگی خود به دانش و تجربه تکیه می کنند نه به فال بینی و شعبده بازی. همچنان، اکثریت مسلمانان با انگاره اسلام گرایان سیاسی که در پی تاسیس تئوکراسی و حاکمیت خود به نام حاکمیت الهی هستند میانه چندان ندانند و حکومت های دنیوی را بسنده می دانند، و این همان نوع رایج سکولاریسم است. /

این گفته های او خود بیانگر آنست که او یکی از بازیگران درامه تسلیم دهی ارگ به طالبان بود و اینکه میگوید من از پولیس و طالبان خواهش کردم که امنیت شهر را یکجا بگیرند، نشان دهنده همدستی نزدیک او با طالبان است و احتمال این مرد که او را وعده داده بودند که دوباره ارگ می برند! حتی فعالتهای کرزی پیش از آمدن طالبان در کابل نشان میدهد که او را برای مقام رهبری در دولت طالبان آرامش میدهند. این عین وعده و وعیدی بود که طالبان در دوره اول آمدن شان در کابل به داکتر نجیب داده بودند که آن وعده و وعید به عوض ارگ به پایه دار انجامید. دیده شود که نوبت کرزی چه وقت فرا می رسد!

جنرال مکنزی میگوید: «به تاریخ ۱۴ اگست با ملا برادر در دوحه ملاقات نمودم و دور یک میز نشسته بودیم، من نقشه را

کرزی . احمدزی و طالبان

واز نورستان تا کابل و غزنی و قندهار و بامیان و ارزگان به مالک های اصلیش سپردم آنهم نه بادست خالی بلکه باقول اردو ها، سلاح و مهمات... این کار ساده نبود. »

احمدزی با اعمال خایانه و همدستی با طالبان سبب کشته شدن هزاران هزار انسان بیگناه، سبب خانه ویرانی و در بدری و آوارگی هزاران هزار طفل، زن و مرد شد، سبب سقوط یک کشور گردید، سبب فروپاشی قوای عسکری کشور شد، سبب اسارت کشور به پاکستان، سبب سرکوبی خیزشهای مردمی در برابر مزدوران اجنبی گردید، سبب ویرانی شهرها و برهم زدن زندگی نورمال مردم در آستانه زمستان شد. او جاسوس زرنگی است که برای همین کار تریه شده و ارسال شده بود. او وظیفه اش را انجام داد، ارگ را به طالبان تسلیم کرد و با میلیون هادالفران نمود و خاطره های نیاکان خاین و وطن فروشش را تازه ساخت!

سقوط برق آسیا و لسوالی ها، شهر ها و ولایات در مدت اندک وبدون برخورد بجز از منطقه اندراب، هرات و مزار شریف که آنهم چندان دوام نکرد، نه تنها مردم از آن متأثر شده بودند بلکه این طرز نظر هادرمیان مردم در حرکت بود که غنی احمدزی با طالبان ساخت و بافت دارد و قصداً و عمدتاً به قوای مسلح کمک نمیکنند، قصداً از اپارچه پارچه ساخته و به مقامات عسکری در بیشتر مناطق مخابره کرد که با طالبان جنگ نکنند، تسلیم شوند یا عقب نشینی نمایند. این آوازه هابه گوش خود او در زمانیکه هنوز فرار نکرده بود رسید، ولی او بنایرننگ و دروغ آنها را رد میکرد و در تلویزیون ظاهر میشد و مانند یک زاغ یا کلاغ چیخ می زد که تا آخرین قطره خون از وطن دفاع میکنیم. و آوازه هایی ساخت و بافت و معامله اش با طالبان را تکذیب میکرد و توطئه دشمنان میشمرد! ولی بباید که بعد از فرار از زبان خودش بشنویم که چی میگوید: «اول تعرض اردو را منع کردم، دوم قطعات را کوچک ساخته به نقاط دسترس طالبان سوق دادم و امکانات شان را ضعیف ساختم تا به طالبان تسلیم شوند و طالب جرئت پیدا کند. قوماندانهای ولسوالیها را مشخصا تعیین کردم تا به نام عقب نشینی تاکتیکی جای خالی کنند که خیلی خوب پیش رفت و تمام ولسوالی های شمال را اول پلان کردم. توسط ستانکری صاب به رهبری طالبان نقشه داده شده بود. به هیچ قطعه بجز عقب نشینی اجازه تعرض حتی مدافعه هم ندادم!»

جالب این است که وقتی غنی با دارودسته اش دزدانه فرار کرد، کرزی که همتا و همکار و هم پیمان و هم فکر اوست، در کابل باقی ماند و بنایرننگ و فریب چنان وانمود که گویا او وطنپرست واقعی است، وطن را در هر حال رها نمیکنند، حتی در تلویزیون با دختر کش نمایان شد که برای مردم نشان بدهد که حتی فامیلش هم جایی نرفته است! اما حقیقت چیز دیگری بود: او که پلان تسلیمی کابل را یکجا باغنی احمدزی تدوین کرده بود وظیفه داشت تادر کابل باقی بماند و مطمئن شود طالبان به سهولت در ارگ داخل شده قدرت را تسلیم شوند. او برای فریب مردم چنان وانمود که ثالث بالخیر است و به آنچه که میگردد دخل و غرض ندارد !!!

کرزی وقتی با تلویزیون طلوع مصاحبه کرد، نطق از او پرسید: «آقای کرزی آیا شما از فرار اشرف غنی(احمدزی) آگاه بودید یا نه، آیا برای شما معلوم بود که طالبان در ارگ داخل میشوند؟» او در جواب گفت: «نه من از فرار اشرف غنی هیچ اطلاع نداشتم و از آمدن طالبان به ارگ نمیدانستم، نی نی هیچ خبر نداشتم.»

بباید از غنی بشنویم که پس از فرار در این مورد چه گفت: «خلاصه وقتی مطمئن شدم که قدرت گرفتن افراد شمال محال شده همه تا رومار و فرار کرده اند، نه مارشال مانده و نه شاخدار و ضرورت به انتقال قدرت و حکومت موقت نیست که با معاون بازی تاجیک و هزاره شود، ساعت ده بجه بود که به کرزی صاحب زنگ زدیم گفتیم عبدالله و وزیر دفاع را مصروف بساز تا داخل شدن طالبان!»

به همین ترتیب کرزی در ۲۰ اگست با ژورنالیست خارجی در منزلش مصاحبه کرد و گفت: «از فرار اشرف غنی شک شدم و برای اینکه هرج و مرج نشود و چیزی چور نشود، از پولیس و طالبان خواهش کردم که امنیت شهر را یکجا بگیرند.»